

بازتاب

نشریه‌ای درباره‌ی شناخت، مغز و رفتار



دوره پنجم، پاییز (۱۳۸۹)، شماره ۱۷

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محسن ارجمند

سردبیر: حبیب‌الله قاسم‌زاده

زیر نظر هیئت تحریریه

مسئول اجرایی: مریم کریمی

طراحی جلد: فاطمه پاشاخانلو

مسئول هنری و صفحه‌آرا: پرستو قدیم‌خانی

مسئول فروش و اشتراک: مریم کریمی

بها: ۲۵۰۰ تومان

دفتر نشریه و مرکز فروش:

تهران، بلوار کشاورز، بین خیابان

کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۲۹۲

تلفن: ۸۸۹۷۷۰۰۲ - ۸۸۹۷۹۵۴۴

Email: baztabedanesh@yahoo.com

هیئت تحریریه

دکتر محمدرضا باطنی

زبان‌شناس
دانشگاه تهران

دکتر خسرو پارسا

جراح مغز و اعصاب

دکتر بیژن جهانگیری

فارماکولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر سید احمد جلیلی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

حسین حسین‌خانی

نویسنده و ناشر

دکتر محمدرضا زرین‌دست

فارماکولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر ونداد شریفی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

غلامحسین صدری‌افشار

نویسنده و مترجم

دکتر اصلاان ضرابی

روان‌پزشک

دکتر جمال عابدی

روان‌شناس

دانشگاه کالیفرنیا، دیویس

دکتر محمود عبادیان

استاد فلسفه و ادبیات

دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر حسن عشایری

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر رامین مجتبیایی

روان‌شناس و روان‌پزشک

دانشگاه جاز هاپ‌کینز

دکتر آذرخش مکرری

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر غلامرضا میرسپاسی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عبدالرحمن نجل رحیم

نورولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر تورج نیسنوری

جراح مغز و اعصاب

دکتر رضا نیلی‌پور

زبان‌شناس

دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

فهرست:

- سخن سردبیر ۳
حبیب‌الله قاسم‌زاده
- نقش پرورشی زبان و ادبیات در "تخیل فرهیخته" ۷
رضا نیلی‌پور
- نقش مغز در هدف‌گزینی و دست‌یابی به هدف ۱۴
حسن حمیدپور
- بررسی روان‌شناختی لبخند ۲۰
اریک جافی / ترجمه و تدوین اکرم خمسه
- نشانه‌شناسی شناختی نقاشی کودکان از دیدگاه ویگوتسکی ۲۶
جیران علیان‌سب
- مبانی نورواناتومی لذت و شادکامی ۳۵
ترجمه و تدوین: اعظم نوفرستی
- رابطه بین عدد و فضا در مغز: بررسی اثر اسنارک ۴۲
احمد علی‌پور، بهرام ملکی
- پردازش شناختی و زبانی در ذهن دو زبانه ۴۸
الن بایالیستوک و فرگوس ای.ام. کریک / ترجمه الهام اشتاد
- به یاد اوله ایوار لوواس ۵۴
تری استر اسمیت / ترجمه و تدوین: زهرا اندوز
- پرسش و پاسخ ۵۶
فیلیپ جانسون لیرد / ترجمه شهرزاد دیبائیان
- معرفی کتاب: آینه‌ها در مغز ۵۹
جاکو موریتسولاتی و کورادو زینیگالیا، ترجمه دکتر عبدالرحمن نجل‌رحیم و زهرا مرادی

سخن سردبیر*

بچه‌ها به شکل خودانگیخته، در جریان این تغییر و تحولات قرار می‌گیرند و خود، آن‌چه را که دیده‌اند، موقع بزرگسالی، انجام می‌دهند. اما آیا کودکان هر آن‌چه را که می‌بینند، بدون هیچ دخل و تصرفی انجام می‌دهند؟ آیا انجام به اصطلاح مراسم نوروز توأم با هیچ احساس، انگیزه و شورمندی نیست؟ در پاسخ باید گفت آن‌چه تکرار می‌شود و به عنوان الگوی رفتار و عمل فعال می‌شود، چهارچوبی است که جامعه در اختیار افراد قرار می‌دهد، مانند قواعدی که در بازی‌ها فرا گرفته می‌شود و یا اصولی که در مدرسه آموخته می‌شود. این چهارچوب است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. اصولاً به‌صرفه نیست که آحاد جامعه، هر یک، اجزای الگویی رفتار را یک به یک بیازمایند و به نتیجه‌ای برسند. علاوه بر آن، بسیاری از این الگوها به عنوان پاسخ و یا در پاسخ به یک رویداد، اعتقاد و استنباطی شکل گرفته‌اند و امروز از آن رویداد، اعتقاد و استنباط خبری نیست. شاید این جا این سؤال مطرح شود که چرا آن الگو با وجود از دست دادن محرک اصلی خود، هم‌چنان به بقای خود ادامه می‌دهد. در پاسخ باید گفت:

۱) اهمیت کارکردی داشته است (مثلاً مردم را دور هم جمع می‌کرده است: انسجام خانوادگی را بیشتر می‌کرده است؛ آرامش خاطری فراهم می‌آورده است) و ۲) آن الگوی ذهنی و رفتاری دچار نوعی اینرسی شده است و بنابراین، بدون محرک اولیه می‌چرخد. شاید بتوانیم بگوییم که در تداوم و استمرار الگوهای رفتاری و ذهنی، هم کارکرد و هم اینرسی با هم نقش ایفا می‌کنند.

گفتیم آن‌چه تکرار می‌شود، ساختار الگویی و چهارچوبی است. اما محتوا چه می‌شود، یعنی آن‌چه احساس، انگیزه، عواطف و کلاً آگاهی نام می‌گیرد. آن‌چه در این جا برای ما اهمیت پیدا می‌کند، تحلیل روان‌شناختی و

عید نوروز را می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی و مطالعه قرار داد. آن‌چه در نظر اول، جلب توجه می‌کند، گردش سال و ماه و فصل یا حرکت زمین به دور خورشید است. همین حرکت است که واحدی برای تقطیع زمان به صورت فصل یا سال فراهم می‌کند. هر فصل، مشخصات خاص خود را داراست. از این لحاظ می‌توان تغییر در دمای هوا، رشد نباتات، تولیدمثل حیوانات، مهاجرت‌ها، داشت، کاشت و برداشت و به تناسب این نوع تغییرات، تنظیم مناسبات و مراودات انسانی، معاملات، معاهدات، مسافرت‌ها و حتی جنگ‌ها و یورش‌ها را مطرح کرد که به نوعی و به اعتباری، وابسته به تغییر زمانی فصل و سال است. عید نوروز، به عنوان آغاز فصل جدید و پایان فصل قدیم، نو شدن طبیعت و به تبع آن، تغییر مناسبات انسانی و چه‌گونگی بازنمایی این مناسبات را در ذهن نوید می‌دهد. صرف‌نظر از این‌که تاریخ مدون و نیز اسطوره‌ها در این باره چه می‌گویند، عید نوروز زندگی را نوید می‌دهد، زندگی که از درون خاکستر زمان، سر برون آورده است («کدام دانه فرورفت در زمین که نرُست؟»). اما «نوید زندگی»، مقوله‌ای است انسانی. آن‌چه در طبیعت اتفاق می‌افتد، تغییر طبیعی است. آیا واقعاً روز از نو، روزی از نو آغاز می‌شود و یا این یک قرارداد و یا توافق آشکار و یا ناآشکار در زندگی انسان‌هاست. اگر انعکاسی از آن‌چه در جهان طبیعت اتفاق می‌افتد، در مغز و در ذهن اندیشه پرور انسان صورت نمی‌گرفت؛ اگر آگاهی و زبان در کار نبود، نوروز باز هم معنایی می‌داشت و خبر از زندگی تازه می‌داد؛ اگر بپذیریم که نوروز به این معنا مقوله انسانی است، در آن صورت، این مقوله چه‌گونه شکل گرفته است و چه‌گونه به عملکرد مشترک انسان‌ها در یک جامعه انجامیده است؟ مسلماً این‌گونه نیست که مردم، همه، یک جا جمع شده‌اند و گفته‌اند که اول بهار را که فصل خیزش، رویش و فرایش است، به عنوان آغازی برای یک سال، تعیین کنیم؛ و مخصوصاً این که نسل‌های بعدی چه‌گونه از این توافق خبردار شده‌اند؟ این جاست که بحثی تحت عنوان درونی‌ساز فرهنگ از طریق نظام نشانه‌ها مطرح می‌شود.

*. با توجه به این که شماره پاییز ۱۳۸۹ با تأخیر منتشر می‌شود، بی‌مناسبت ندیدم که «سخن سردبیر» این شماره را به عید نوروز اختصاص دهم. ح. ق.